



مروری بر مهم‌ترین شاخص‌های مورد توجه مستشرقین در مهدویت‌پژوهی

حجت‌الاسلام زهیر دهقانی‌آرانی به تبیین آرای مستشرقین معاصر در باب مهدویت پرداخت و بیان کرد: اصالت مهدویت،

حجت‌الاسلام زهیر دهقانی‌آرانی به تبیین آرای مستشرقین معاصر در باب مهدویت پرداخت و بیان کرد: اصالت مهدویت، روایات مهدویت، مهدویت شیعی، تاریخ شکل‌گیری باور تشیع دوازده امامی به مهدویت، رابطه مهدویت و سیاست و منجی‌گرایی در جریانات سلفی و تکفیری از جمله مهم‌ترین موضوعات مورد توجه آنها بوده است.

به گزارش ایکن، کرسی ترویجی عرضه و نقد دیدگاه علمی با موضوع بررسی و نقد آرای مستشرقان معاصر در زمینه مهدویت، امروز ۱۶ شهریورماه با سخنرانی حجت‌الاسلام زهیر دهقانی‌آرانی، عضو هیئت علمی مرکز تخصصی مهدویت به صورت مجازی برگزار شد که در ادامه متن آن را می‌خوانید؛

ورود مستشرقین به این بحث سابقه زیادی ندارد و حدود صد سال از آن می‌گذرد. دلیلش ظهور چند مدعی مهدویت بوده است که مثلاً با سیدمحمدعلی باب مواجه هستیم که موجب می‌شود مستشرقین به این مسئله توجه کنند. افراد زیادی وارد این جریان شدند و بنده چهار دوره برای مهدویت پژوهی مستشرقین ترسیم کردم؛ دوره اول از نیمه دوم قرن نوزدهم تا نیمه قرن بیستم، دوره دوم از پایان جهنگ جهانی دوم تا انقلاب اسلامی، دوره سوم از انقلاب اسلامی تا سال ۲۰۰۰ و دوره چهارم از سال ۲۰۰۰ تا زمان کنونی است. برای نمونه دارمستتر نخستین کسی بود که در این زمینه کتاب نوشت و بعد با افراد دیگری مواجه هستیم و یکی دیگر از این افراد نیز گلدزیهر است که از سرآمدان اسلام پژوهی نیز شناخته می‌شود. ویژگی دوره اول مهدویت پژوهی مستشرقین

اما برای نمونه، ویژگی دوره اول این بود که بیشتر توجه مستشرقین به مدعیان بوده و کمتر به منابع اسلامی دسترسی داشتند و اشکالات زیادی هم در نظرات آنها وجود دارد. اگر موضوعات مورد توجه آنها مورد توجه باشد، مشخص است که مدعیان مهدویت بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. اما در دوره دوم، افراد دیگری بودند و علت جدایی دوره اول و دوم این است که رنگ و بوی استشراق تغییر کرد و مقداری دین مسیحیت پذیرش اسلام را کم‌کم قبول کرد و اتفاقاتی افتاد که موجب شد مستشرقین منصف‌تر شوند و به منابع اسلامی هم دسترسی بیشتری داشتند. در اینجا افرادی را داریم که اسلام را از درون اسلام می‌فهمند؛ مانند ماسینیون یا هانری کربن. اما در دوره اخیر نیز توجه به شیعه و مهدویت و سیاست در اوج توجه بوده است.

اما نظرات مستشرقین در مورد مهدویت را که بررسی کردیم، به دو دسته و سی نفر رسیدیم. تقریباً به منابع دو سوم اینها دسترسی داشتیم و حدود ۵۵۰ تا ۶۰۰ منبع نیز شامل کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌ها بود و در تحقیقات خود به این‌ها مراجعه کردیم، اما چون حوزه کاری ما مستشرقین معاصر است، می‌توانیم حدود ۱۵۰ مستشرق را مورد تحلیل قرار دهیم. پیش از اینکه وارد پنج حوزه نظری آنها شوم، باید چند خصوصیت شاخص این دوره را بگویم؛ اولاً حوادث جاری بر حوزه کاری آنها تأثیرگذار بوده است. البته در دوران پیش نیز اینطور بوده است. در این دوره، وقوع انقلاب اسلامی و ظهور جریان‌های سلفی – تکفیری مانند طالبان و داعش اثرگذار بوده است. همچنین در ایران و عراق شعارهای منجی‌گرایانه باب شد و موجب شد نظر مستشرقین جلب شود. بنابراین مباحث جاری موثر بوده است.

دومین بحث، تأثیر ارتباط علمی و پژوهشی مراکز حوزوی و دانشگاهی ما با مراکز اسلام پژوهشی در جهان است. بالا و پایین رفتن سطح ارتباطات روی نگاه آنها تأثیرگذار بوده است و وقتی که ارتباط‌ها کم‌شده، قدری فاصله هم ایجاد شده است و یک مقدار نگاه‌ها تقابلی شده است و اگر رفت و آمدهایی بود، شاید می‌شد تغییراتی ایجاد کرد و این تبادلات می‌توانست حضور اساتید و ... باشد که چندسالی است کم‌رنگ شده است.

در دوره معاصر امکانات نوپدید فناوری را داشتیم که موجب شده دسترسی به منابع بیشتر شود. یک مسئله دیگر حضور پررنگ محققین مسلمان و شیعه ایرانی و غیرایرانی در کشورهای غربی است که به عنوان همکار یا رئیس برخی دربارتمان‌ها حضور دارند و با افرادی نظیر محمدعلی امیرمعزی یا مدرسی طباطبایی مواجه هستیم. ویژگی عمده دوره معاصر نیز تخصصی شدن حوزه کاری مستشرقین است.

مروری بر مهم‌ترین شاخص‌ها در دوره معاصر

نظرات شاخص را در چند حوزه آورده‌ام که مراد مستشرقین معاصر است. اصالت مهدویت یکی از این شاخص‌ها است؛ یعنی

خاستگاه مهدویت کجا است. برخی ها مانند پاتریشیا کرون در ادامه نظرات سابقین ریشه مهدویت را به ادیان و مکاتب سابق برمی گردانند. یک کسانی هم هستند که ریشه مهدویت را بیشتر به حوادث اتفاق افتاده در انتهای قرن اول و ابتدای قرن دوم می دانند و حوادثی مانند جریان مختار را مورد توجه قرار می دهند. مادلونگ نیز ریشه مهدویت را زیر سوال می برد. برخی نیز نظرات را جمع بندی کرده اند و مثلاً دیوید کوک می گوید تحولات بومی، رویدادهای تاریخی، تفسیر قرآن و دیگر منابع موجب شده که باور به منجی گرایی در اسلام به وجود آید.

موضوع دوم که مستشرقین روی آن کار کرده اند، روایات مهدویت است. پیشتر سابقه نداشته و در حد اشاره به این روایات می پرداختند، اما در دوره معاصر مادلونگ روی روایات سفیانی کار کرده است. یا روبین در مورد احادیث دوازده خلیفه و سابقه تاریخی آن کار کرد است. یا دیوید کوک روی الفتن ابن حماد کار کرده که یکی از متقدم ترین کتب آخرالزمانی است. افراد دیگری هم هستند که در مورد تاریخ گذاری کار کرده اند. یکی از موضوعات مهم تاریخ گذاری احادیث است که پیشتر هم روی آن کار کرده اند، اما بحث تاریخ گذاری احادیث مهدویت یکی از مباحث مهم است، مثلاً روایات هم نامی امام مهدی(عج) با روایات پیامبر(ص) را مستشرقین بحث کرده اند و می گویند در فلان تاریخ ساخته شده و دلایل مختلفی نیز برای آن می آورند که موضوع جالب توجهی است و جای کار دارند.

موضوع سوم که خیلی باید در مورد آن بحث شود، مهدویت شیعی است. مهدویت که در شیعه کار شده بیشتر مورد توجه برخی مستشرقین بوده است. فان اس، مادلونگ، برنارد لوئیس افرادی بودند که روی این زمینه ها کار کرده اند و در میان فرق شیعه بحث مهدویت را دنبال کرده اند.

موضوع چهارم بحث تاریخ شکل گیری باور تشیع دوازده امامی به مهدویت است که از سوی برخی از مستشرقین کار شده است و شاخص ترین آنها اتان کلبرگ بوده است و مقالاتی در این زمینه دارد و افراد دیگری هم هستند که می شود روی نظرات آنها کار کرد که از جمله مونتگمری هستند. در این زمینه روی غیبت و رجعت کار کرده اند. در مورد نواب اربعه چند نفر به صورت مخصوص کار کرده اند. کلبرگ در دایره المعارف اسلام کار کرده است و مهم تر از آن مقاله ورنه کلم است که غربی های بعدی به آن ارجاع می دهند. بعد از ایشان در نسل کنونی ادموند هایس در حال کار کردن است و روی نواب اربعه در حال پژوهش است و رساله دکتری و پروژه پست دکتری او نیز در همین زمینه است. در باب علمای شیعه به خصوص کسانی که برای نسل اول شیعه هستند نیز کار شده است و برای نمونه به صورت خاص روی احمد بن خالد برقی و یا کمال الدین صدوق کار شده است. در نسل های بعدی علمای شیعه هم کسانی که به مهدویت مرتبط هستند کارهایی در مورد علامه مجلسی یا علامه حلی و ابن طاوس داریم.

موضوع دیگری که روی آن کار شده است رابطه مهدویت و سیاست است. در بحث مهدویت شیعه، نیابت عامه، رابطه شیعه با حکومت ها و اجازه قیام یا سکوت گرایی شیعه مورد بحث بوده است و همه با باور مهدویت شیعی گره خورده است که آیا مثلاً اجازه می دهد حکومت های جائر را قبول کنیم یا باید قیام کنیم و اینها در دوره معاصر مورد توجه بوده است. در مورد کارهای سیاسی شیعه معاصر که برگرفته از عقیده مهدویت است به صورت خاص پیشنهاد می کنم مقاله مهدی گرایی سیاسی در دوره معاصر یا منجی گرایی در هلال شیعی که توسط دیوید کوک نوشته شده مطالعه شود.

اما موضوع دیگری که مختص دوره اخیر است، منجی گرایی در جریانات سلفی و تکفیری است که طالبان و داعش و جبهه النصره شعارهای مهدوی دارند، ولی همین شعارهایی که داده اند موضوع تخصصی کار برخی از مستشرقین بوده است. حوزه دیگر نیز مهدی ستیزی عیان است که مستشرقین روی آن کار کرده اند. طیفی از نویسندگان و اصحاب رسانه ای غربی به این مسئله پرداخته اند.

در اینجا نظرات شاخص در مورد معاصرین را تبیین کردم. در این مجال فرصت نیست که اینها را باز یا نقد کنیم و به همین میزان بسنده می کنم. اما نکته مهم این است که ما نمی توانیم مستشرقین دوره کنونی را از حرف هایی که در کتب ما هست بی اطلاع بدانیم و یا آنها را مزدور و بدطینت و استعمارگر بدانیم. مستشرقینی هستند که بسیار علمی روی این مسئله کار کرده اند و دانش آنها بسیار تخصصی و ویژه شده است. به تعبیر یکی از اساتید حوزوی که گفتند اگر ما عمیقاً در برخی از موضوعات آنها کار نکنیم، چه بسا برخی از آنها متخصص تر از ما شوند.